

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقرالعلوم 7
پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

حکمت خداوند

از منظر فیلسوفان و متکلمان مسلمان

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود موسوی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر فیروزجائی

نگارش و پژوهش:

جواد حاجی پور

سال ۱۳۸۸

تقدیم به:

سرور سرفراز اسلام،

ایران و کیلان:

شهید حسین املاکی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ»

وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبِدَائِعِ

وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ.»

«فرازی از دعای عرفه امام حسین 7»

سیاسنامه:

به لطف و رضای خداوند حکیم علیم سبب آفرین، اینک که «حکمت خداوند از منظر فیلسوفان و متکلمان مسلمان» صورت اتمام پذیرفته است؛ اما وامدار بزرگواران و عزیزانی می باشد:

نخست از راهنمایی های سودمند و ارزنده استاد راهنما، حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود موسوی بسیار سپاسگزارم؛ نیز از ارشادات و تذکرات مفید و بایسته استاد مشاور حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر فیروزجایی صمیمانه تشکر می نمایم.

از همه اساتید و دانشوران دانشگاه باقرالعلوم 7 که طی این سالیان، سخاوتمندانه گوهر دانش و معرفت دینی را در اختیار نهادند؛ به ویژه حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر گرجیان قدردانی می کنم. سپاس خود را نسبت به داوران محترم که زحمت ارزیابی این رساله را پذیرا گشته اند؛ می گزارم.

در پایان از تمامی دست اندرکاران و کارکنان زحمتکش و خدوم دانشگاه باقر العلوم 7 و نیز از حمایت های بی دریغ همسر ارجمند و گرامی ام سپاس و تقدیر فراوان دارم.

چکیده:

هنگامی که مباحث پر دامنه در حوزه علم خداوند - علم به ذات و موجودات - نضج می‌گیرد و با عنایت و فاعلیت و قدرت پروردگار قرین می‌گردد؛ مفهوم بنیادین حکمت خداوند سر برآورده و مجال بحث و بازشناسی می‌یابد.

شناخت سرشت حکمت پروردگار و تبیین آن از سوی فیلسوفان و متکلمان مسلمان در طول تاریخ همواره مورد اهتمام جدی بوده است.

در قلمرو شناخت هویت حکمت باری، تقریباً تمامی فیلسوفان و متکلمان اسلامی، حکمت خدا را با تفاوت‌هایی ذیل علم کلی و احاطی پروردگار بر شمرده و برای آن از گزاره‌های گوناگونی بهره برده‌اند.

فیلسوفان اسلامی از عناصری همانند: خیریت ذاتی وجود، نظام اسباب و مسببات، اندام‌واری و غایت‌مندی هستی، نظام‌مندی و سایط نیل به غایات، علم ذاتی و فعلی پروردگار، فاعلیت بالاراده و بالعنایة و بالرضا و بالتجلی واجب الوجود، قاعده امکان اشرف و دیگر گزاره‌های پسینی و پیشینی تمسک جست‌اند؛ و در مقابل، متکلمین اسلامی بیشتر حول محور مصالح و مفاسد موجودات، اتقان و استحکام فعل پروردگار و وجود نظم و هماهنگی میان اجزای مختلف وجود عطف نظر داشته‌اند؛ که البته از نگاه فیلسوفان نیز نگریخته است. اما دشوارترین فراز تبیین حکمت پروردگار، حل تناقض نمودن (پارادوکس) وجود شرّ و نقص در پهنه هستی است. متکلمان و فیلسوفان مسلمان، طبق مکتب فلسفی خویش به این مقوله مهم و اساسی - که از مواضع مهم اصطکاک میان آن بخش از فلسفه الحادی غرب و حکمت اسلامی به شمار می‌رود - پرداخته و این تهدید را مبدل به فرصت ساخته و پاسخ درخور و شایسته‌ای بدان داده‌اند.

نوشتار حاضر می‌کوشد تبیین دقیق متکلمان و فیلسوفان اسلامی از حکمت خداوند را فراخور بضاعت علمی و تحقیقی به دست دهد. ان‌شاءالله تعالی.

فهرست مطالب

درآمد:..... ۱

کلیات

اهمیت موضوع پژوهش:..... ۶

فرضیات:..... ۶

سؤالات پژوهش:..... ۷

پرسش اصلی:..... ۷

پرسش‌های فرعی:..... ۷

پیش فرض‌ها:..... ۸

پیشینه پژوهش:..... ۸

واژگان کلیدی:..... ۸

روش تحقیق:..... ۸

جستاری در معنای لغوی واژه حکمت:..... ۹

معانی حکیم..... ۱۲

مفهوم‌شناسی حکمت..... ۱۳

واژه حکیم در آینه قرآن و روایات اهل بیت :..... ۱۴

آرای مفسران در تفسیر واژه حکیم..... ۱۵

حکمت در آینه روایات..... ۱۶

جستاری در معنای لغوی واژه عنایت..... ۱۶

فصل نخستین: حکمت الهی از نظرگاه فیلسوفان اسلامی

- حکمت الهی از نظرگاه فیلسوفان متقدم اسلامی..... ۱۹

یعقوب بن اسحاق کندی..... ۱۹

- ۲۰..... مؤسس فلسفه اسلامی حکیم ابونصر فارابی (م ۳۳۹).....
- ۲۴..... آرای إخوان الصفا، ابوالحسن عامری و ابوالبرکات بغدادی.....
- ۲۸..... - حکمت الهی از نظرگاه شیخ‌الرئیس.....
- ۲۹..... - تبیین ابن سینا از حکمت مصطلح و حکمت الهی.....
- ۳۱..... - عنایت (حکمت) الهی از دیدگاه ابن سینا.....
- ۳۱..... نخستین بیان.....
- ۳۲..... تبیین قاعده العالی لا یلتفت إلى السافل.....
- ۳۲..... دومین بیان.....
- ۳۴..... سومین بیان (جامع‌ترین تبیین).....
- ۳۵..... - مجلای حکمت باری در متن هستی از نظرگاه مکتب مشاء.....
- ۳۵..... نظریه علم فعلی، صور ارتسامی و فاعلیت بالعنایه مشائیان.....
- ۳۸..... - قاعده العالی و نسبت آن با حکمت و عنایت الهی.....
- ۳۸..... دیدگاه قطب الدین شیرازی.....
- ۳۹..... رأی علامه شهید مطهری.....
- ۴۱..... نظرگاه شارح اشارات.....
- ۴۲..... - معناشناسی خیر در تبیین ابن سینا از حکمت الهی.....
- ۴۴..... - نگاهی اجمالی به نظر ابن سینا درباره شرور.....
- ۴۶..... - حکمت پروردگار از منظر ابن رشد.....
- ۴۸..... - عنایت الهی از دیدگاه ابن رشد.....
- ۵۰..... - شرور از نگاه ابن رشد.....
- ۵۰..... نظرگاه شیخ اشراق نسبت به حکمت پروردگار.....
- ۵۱..... - عنایت (حکمت) الهی و عناصر نهفته در بستر آن از نگاه سهروردی.....
- ۵۳..... - تبیین قاعده امکان اشرف.....
- ۵۵..... - شرور از نگاه سهروردی.....
- ۵۶..... - مقایسه میان آرای مکتب مشاء و مکتب اشراق در بحث حکمت الهی.....

- دیدگاه صدرالمتألهین درباره حکمت خداوند ۵۷
- تعریف صدرا از حکمت ۵۸
- حکمت باری از منظر صدرا ۵۹
- تبیین جامع صدرا از حکمت خداوند ۶۱
- عنایت الهی از نظرگاه صدرالمتألهین ۶۲
- دیدگاه اول: ۶۲
- دیدگاه دوم: ۶۳
- دیدگاه سوم: ۶۳
- رابطه قضا، قدر و قدرت الهی با حکمت خداوند ۶۵
- رابطه حکمت الهی با قدرت الهی ۶۷
- قاعده بسیط الحقیقه کل الاشیاء ۶۹
- علم اجمالی در عین کشف تفصیلی ۷۰
- جستاری در مفهوم خیر و شرّ از نگاه ملاصدرا ۷۱
- حکمت خداوند از منظر علامه طباطبایی ۷۳
- واکاوی دقیق علامه نسبت به مفهوم حکمت ۷۴
- تبیین حکمت پروردگار از منظر علامه طباطبایی ۷۴
- نقد شهید مطهری بر این دیدگاه ۷۶
- دیدگاه علامه طباطبایی در مورد عنایت خداوند ۷۷
- دیدگاه اول: ۷۷
- دیدگاه دوم: ۷۷
- دیدگاه سوم: ۷۸
- گزاره های پیشینی و پسینی علامه از عنایت ربانی ۷۸
- حکمت واجب الوجود از دیدگاه شهید مطهری ۷۹
- تبیین حکمت خداوند از سوی شهید مطهری ۸۰
- بیان ویژه مرحوم مطهری بر بنیاد نظر فیلسوفان اسلامی ۸۱
- واکاوی دقیق حکمت خداوند از جانب مرحوم مطهری ۸۳

۱۵..... _ نقد استاد مطهری بر نظریه متکلمان

فصل دوم: حکمت پروردگار از منظر متکلمان مسلمان

۹۰..... حکمت پروردگار از دیدگاه متکلمان شیعه

۹۱..... _ آرای علامه حلی، سدیدالدین حمصی، عبدالرزاق لاهیجی

۹۲..... _ نظریه بدیع لاهیجی

۹۳..... _ معضل شرور و نسبت آن با حکمت پروردگار

۹۵..... حکمت خداوند از منظر متکلمان معتزلی

۹۶..... _ آرای نظام و قاضی عبدالجبار

۹۸..... _ معضل شرور و نسبت آن با حکمت پروردگار

۹۹..... _ نظریه صلاح و اصلح معتزله (رأی معتزلیان بغداد و بصره)

۱۰۰..... حکمت خداوند از منظر متکلمان اشعری

۱۰۱..... _ آرای غزالی، شهرستانی، جوینی، فخر رازی، آمدی

۱۰۴..... _ نقد نظریه صلاح و اصلح معتزله از سوی اشاعره

۱۰۹..... _ اشاعره و بحث شرور

۱۱۰..... _ مقایسه میان آرای دو مکتب معتزله و اشاعره

۱۱۰..... _ تقدی بر نظر اشاعره

۱۱۱..... _ تقدی بر نظریه معتزلیان

فصل سوم: جمع‌بندی و ارزیابی

۱۱۴..... جمع‌بندی و ارزیابی

۱۱۴..... _ مقایسه‌ای میان آرای مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه

۱۱۷..... _ مقایسه‌ای میان آرای متکلمان شیعی، معتزلی و اشعری

۱۱۹..... فهرست منابع

درآمد:

پرسش استوار و بنیادینی که از فجر تاریخ تفکر فلسفی تاکنون، کانون اندیشه فیلسوفان و متفکران بوده است؛ نسبت میان خداوند با هستی و انسان می‌باشد. جهانی که در برابر دیدگان گستریده و پیداست و موضوع پرسش و تفکر آدمی، و مهد حیات اوست؛ آنگاه که از چرایی پیدایش پدیدگان آن و چگونگی نظام یافتن و سرانجام پذیرفتنشان، سخن به میان می‌آید و اینکه گشوده گشتن دفتر بی‌منتهای هستی از جانب پروردگار چه مقصد و فایده‌ای به دنبال دارد؛ جملگی از پرسش‌های سخته‌ای به شمار می‌رود که ما را به شناخت حکمت خداوند رهنمون می‌سازد. برای درک عمیق و درخور حکمت باری هم غور نمودن در صفات ذاتی او از جمله علم و اراده و قدرت لازم می‌آید و هم فهم عنایت و فاعلیت الهی را می‌طلبد.

در واقع حکمت الهی همان تبیین دقیق نسبت میان هستی - به ویژه انسان - با خداوند است و برای درک این نسبت باید هم هستی را شناخت و هم به خداوند و فعل حکیمانه‌اش معرفت پیدا کرد.

معرفت حکمت پروردگار از طریق بار یافتن به ساحت صفات کریمه و پر حشمت ذاتی و افعالی او میسر می‌باشد. اینکه در دهلیز بی‌منتهای حکمت باری چه فرآیندی رخ می‌نماید تا صفتی از صفات جلالیه و جمالیه او متجلی گردد؛ یا فعلی از افعال او صدور

یابد. اما برای شناخت مجموعه هستی - که فعل پروردگار است - از آنجا که هستی از مراتب و عوالم فراگیری همانند غیب و شهادت، مادی و مجرد، دنیا و آخرت، لوح، قلم، کرسی، کتاب، عقل و... انسجام و تشکّل یافته است؛ لاجرم شناخت آن هیچ گاه در ترازوی تجربه علمی و عملی آدمیان در نمی‌نشیند و تنها به مدد استدلال و برهان امکان‌پذیر خواهد بود.

مبحث حکمت الهی در آینه دیدگاه فیلسوفان مسلمان، ذیل عنوان «عنایت الهی» مطرح گردیده است. هر چند بنابر دیدگاه مرحوم شهید مطهری؛ شایسته بود تحت عنوان «حکمت الهی» که تعبیری قرآنی و دینی است به این بحث پرداخته می‌شد. در این باره ایشان می‌فرماید: «تقریباً می‌شود گفت که لفظ عنایت با لفظ حکمت یکی است ولی حکما بیشتر کلمه عنایت را به کار می‌برند؛ گاهی نیز هر دو را با یکدیگر. پس ما می‌توانیم عنایت را به همان حکمت یا حکمت بالغه تعریف کنیم... حق این بود که این‌ها راجع به کلمه حکمت بحث می‌کردند اگرچه بیشتر کلمه عنایت را به کار می‌برند ولی در بسیاری از اوقات از کلمه حکمت هم استفاده می‌کنند؛ مخصوصاً که این کلمه در معارف اسلامی آمده و خدای متعال به صفت حکیم توصیف شده است»^۱.

نکته قابل ذکر آن است که به رغم تأثیرپذیری فلاسفه مسلمان از آرا و اندیشه‌های ارسطویی، آنان در مبحث حکمت الهی طریق مستقلی را پیموده‌اند؛ طبق مبانی فلسفه ارسطویی خداوند علم به جزئیات ندارد و در ارتباط با هستی تنها به عنوان محرک اول شناخته می‌گردد؛^۲ لذا در این فلسفه عنایت و حکمت پروردگار به گونه‌ای مورد غفلت

1. مرتضی مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۸، چاپ هفتم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۷، صص ۳۹۳ - ۵.

2. تتودور، گمپرتس، متفکران یونانی، ج ۳، ترجمه محمدحسن لطفی، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار،

است؛ حال آنکه قاطبه فلاسفه اسلامی به حکمت و عنایت واجب عقیده‌مند بوده و به تبیین آن پرداخته‌اند. البته فیلسوفان متقدم اسلامی همانند یعقوب بن اسحاق کندی، فارابی، ابوالحسن عامری و... در شکافتن مفهوم حکمت باری توفیق شایانی نصیب نبرده‌اند هر چند برای اثبات آن - که البته از حوصله این نوشتار خارج است - اهتمام چندی ورزیده‌اند.

تبیین مفهومی و معنا شناختی تمام عیار و جامع حکمت باری، تقریباً از فیلسوف نامدار حکمت مشاء، شیخ الرئیس آغاز گردید؛ و پس از آن بزرگ در اندیشه فیلسوفانی همانند شیخ شهاب‌الدین سهروردی و صدرالمآلهین شیرازی - البته در همان چارچوب تعریف ابن‌سینا - فربهی یافت. در میان شارحان فلسفه اسلامی باید به تلاش و تحقیق ارزنده دو تن از متفکران بزرگوار معاصر، علامه طباطبایی و علامه شهید مطهری در ایضاح مفهومی حکمت باری اشاره نمود؛ به ویژه مرحوم مطهری در «درس‌های الهیات شفاء» تحقیق نیکو و مطلوبی نسبت به این مقوله عرضه داشته است.

متکلمان مسلمان، در فصل «عدل الهی» به مبحث حکمت الهی پرداخته‌اند؛ و بلکه معنای این دو را عدیل یکدیگر گرفته‌اند. در این بین، متکلمان شیعی که غالباً گرایش‌های فیلسوفانه هم داشته‌اند؛ همان آرای فلسفی خویش را در چارچوب مباحث کلامی پی گرفته‌اند. در بین متکلمان معتزلی و اشعری با توجه به اختلافات مبنایی آن دو به ویژه در اصالت و رسمیت قاعده حسن و قبح عقلی - که ارتباط تنگاتنگی هم با مبحث حکمت الهی دارد - رویکرد آنان در این حوزه می‌تواند جالب توجه باشد.

در این نوشتار پس از بررسی معنای لغوی واژه حکمت و عنایت، ابتدا به طور فشرده آرای فیلسوفان متقدم اسلامی همانند کندی، فارابی و... درباره حکیم بودن باری را

فهرست می‌نماییم. سپس به آرا و اندیشه‌های سه فیلسوف برجسته مکتب مشاء و اشراق و حکمت متعالیه و شارحان آنان خواهیم پرداخت.

در فصل دوم دیدگاه متکلمان اسلامی خصوصاً مکتب معتزلیان و اشاعره را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در فصل پایانی نیز جمع‌بندی خواهیم نمود و آرای گوناگون فلاسفه و متکلمان اسلامی و نقاط افتراق و اشتراک رأیشان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کلیات

اهمیت موضوع پژوهش:

پرداختن به بحث دامنگستر «حکمت خداوند» و نوع استنتاج حاصل از آن، زمینه‌ساز گونه‌ای جهان‌بینی می‌گردد. آدمی در واکنش به حیرت برآمده از موقعیت ویژه خود در فضای بیکران حیات چندین پاسخ می‌دهد:

یکم: کسانی که جهان و پدیدگان بی‌شمار آن را بی‌معنا و معلول اتفاق پنداشته و انسان را پرتاب شده در فضایی مبهم و تعریف نشده می‌انگارند. اینان در واقع منکر مبدأ وجودی و نیز عنایت و حکمت اویند.

دوم: کسانی که مدعن به نظم سازوار هستی‌اند؛ اما نمی‌توانند ناروایی‌ها و نابسامانی‌ها و وجود اهریمنان و زشتی‌ها را حلّ و هضم نمایند. اینان نیز یا به ورطه دوگانه‌پرستی فرو می‌غلطند یا در گرداب عقیده پوچ‌انگاران (عقیده نخست) غرق می‌شوند.

سوم: کسانی که در یک فهم و تحلیل درست و فراگیر نظام هستی را معنادار می‌یابند و بر وجود قادری حکیم و متعال تأکید می‌ورزند و نابسامانی و نقص موجود در هستی را پس از پذیرش با توجیهی منطقی و مستدل به جا و بلکه لازم می‌شمزند. (عقیده فیلسوفان و متکلمان مسلمان).

فرضیات:

نوشتار حاضر بر آن است که:

یکم: فیلسوفان و متکلمان مسلمان به حکیم بودن خداوند قائل بوده و آن را ایضاح مفهومی نموده و به تبیین آن پرداخته‌اند؛ و معتقدند که نظام هستی - به عنوان ثمره حکمت بالغه و عنایت او - معنادار بوده و بر احسن وجه استوار است.

دوم: فیلسوفان و متکلمان اسلامی در تبیین خویش از حکمت پروردگار از گزاره‌ها و مؤلفه‌های گوناگونی همانند خیریت ذاتی وجود، نظام اسباب و مسببات، اندام‌واری و غایت‌مندی هستی، علم ذاتی و فعلی پروردگار، فاعلیت بالإرادة و بالعنایة و بالرّضا و بالتّجلی واجب الوجود، چینش نظام هستی، قاعده امکان اشرف، قاعده العالی لایلتفت إلى السافل، بسیط الحقیقة کلّ الأشياء، علم اجمالی در عین کشف تفصیلی، جریان و سریان عشق و محبت در متن عالم و... بهره برده‌اند.

سوم: حکمت پروردگار بیان دیگری از نسبت میان واجب الوجود و هستی است و در واقع همان علم و عنایت او به موجودات، بر برترین و بهترین صورت ممکن می‌باشد.

سؤالات پژوهشی:

پرسش اصلی:

معنا و ماهیت حکمت خداوند چیست و فیلسوفان و متکلمان مسلمان چه تبیینی از آن به دست داده‌اند؟

پرسش‌های فرعی:

۱. دیدگاه و مواضع فلاسفه نخستین اسلامی همانند کندی، فارابی، اخوان الصفا، عامری و... درباره حکمت خداوند چیست؟
۲. فلاسفه مکتب مشاء به ویژه ابن‌سینا، مکتب اشراق خاصه شیخ اشراق و مکتب حکمت متعالیه صدرایی، حکمت خداوند را چگونه تبیین و مطرح کرده‌اند؟

۳. متکلمین اسلامی چه نظرگاهی در مورد حکمت باری دارند؟
۴. آیا تبیین حکیمان و متکلمان اسلامی در باب حکمت واجب الوجود یکسان است؟ در غیر این صورت چه نظرگاه‌های متفاوتی ابراز نموده‌اند؟
۵. فیلسوفان و متکلمان اسلامی نسبت شرور و نواقص را با حکمت الهی چگونه واکاوی و تحلیل نموده‌اند؟

پیش‌فرض‌ها:

وجود خدای قادر متعال - معناداری حکمت خداوند و امکان شناخت و تبیین آن - وجود هستی و پدیده‌های آن به عنوان واقعیتهای عینی.

پیشینه پژوهش:

در مبحث حکمت باری رساله مستقلی تاکنون تدوین نگشته است؛ به گونه‌ای که آرای گوناگون فلاسفه و متکلمان نامدار اسلامی را دربر گیرد. البته در آثار و کتب گرانسنگ متفکران بزرگوار اسلامی به این مقوله تحت عنوان حکمت الهی، عنایت الهی، عدل الهی و علم پروردگار به جزئیات پرداخته شده است؛ و رساله حاضر نیز محصول این مهم می‌باشد.

واژگان کلیدی:

حکمت خدا، عنایت خدا، فیلسوفان مسلمان، متکلمان مسلمان، غایات، اسباب و مسببات، خیریت ذاتی وجود، خیر و شر.

روش تحقیق:

برای دستیابی به مطلوب خود از روش (توصیفی - تحلیلی) آن هم بر مبنای تحلیل فلسفی فیلسوفان مسلمان و تبیین کلامی متکلمین اسلامی استفاده شده است.

جستاری در معنای لغوی واژه حکمت:

ریشه کلمه «حکمت» از «حکم» انتزاع گشته و حامل چند معنای شایع می‌باشد: یکم: منع و بازدارندگی ای^۱ که سوی‌گیری اصلاحی^۲ دارد. لجام چارپایان را از آن رو «حکم» نامند که آنها را از عصیان‌زدگی بازمی‌دارد؛ و به حیواناتی آرام و رام و قابل استفاده مبدل می‌سازد.^۳ نیز زمانی که خردمند، شخص خام و ناپخته‌ای را از ارتکاب امور نابخردانه بازمی‌دارد؛ عرب می‌گوید: «حکمتُ السقیة و احکمته».

دوم: استحکام و استواری: واژه «حکم» زمانی که در باب «إفعال» صرف گردد؛ استحکام و انسجام را می‌رساند: أحکمتُ الشیءَ فاستحکم^۴.

سوم: نسبت دادن امری به مقوله و امری دیگر در لباس ایجاب و سلب: «الحکم إسناد أمر إلى آخر ایجاباً أو سلباً»^۵.

تهانوی صاحب «کشاف اصطلاحات الفنون» این معنا از حکم را عرفی دانسته و حکم را همان نسبت خبری ایجابی یا سلبی می‌شمارد: «و حاصله أن الحكم نفس النسبة الخبرية التي إدراكها تصدیقٌ ایجابیةٌ کانت او سلبیة»^۱.

-
1. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، ج ۲، قم: مکتبه الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق، ص ۹۱.
 2. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق، بیروت، دار العلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۹.
 3. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۳، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق، ص ۶۷.
 4. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۵، چاپ چهارم، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق، ص ۱۹۰۲.
 5. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۳.
 6. علی بن محمد جرجانی، التعریفات، طبع اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ص ۴۱.

چهارم: این معنا از حکم مرادف و معادل معنای «عدل» می‌باشد و بیانگر انجام امور در موضع و وقت بایسته خویش می‌باشد که البته نتیجه نیکویی به همراه دارد: «الحکم وضعُ الشئ فی موضعه و قیل هو ماله عاقبةً محمودةً».^۲

پیداست که این معنا از واژه حکم دارای دو رکن است: الف) کنش و وضع بایسته و بهنگام؛ ب) در رسیدن به نتیجه مطلوب و ثمره شیرین، آن سان که فرجام نیکو و معناداری را حایز گردد (غایت متعالی و عالی).

البته برای واژه «حکم» معانی دیگری از قبیل علم و قضاوت عادلانه نیز آمده است.^۳ برای واژه «حکمت» نیز چندین معنا ذکر گردیده است:

صاحب «التعريفات» می‌نگارد: «الحكمة تجيء على ثلاثة معان: الاول، الإيجاد و الثانی، العلم و الثالث الافعال المثلثة كالشمس و القمر... و قيل الحكمة فی اللغة العلم مع العمل».^۴

حکمت بر سه معنا گفته می‌آید: ایجاد، علم و افعالی که در نهایت استواری و کمال است. و به دانش توأم با عمل یا عمل آگاهانه نیز حکمت اطلاق می‌گردد.

جرجانی معنای دیگری هم از حکمت ذکر می‌کند که بیشتر، تعریف و توضیح اصطلاحی حکمت را می‌نماید تا معنای لغوی، از جمله: هر کلامی که موافق حق باشد، کلام معقول و صیقل یافته‌ای که مصون از حشو و اشتباه است، حقایقی که آدمی به مقدار طاقت و استعداد خویش در عالم نفس الأمر برمی‌گیرد. همین طور آنچه را که از

1. محمد علی التهانوی، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۱، لبنان، مکتبه ناشرون، ص ۶۹۳.

2. علی بن محمد جرجانی، پیشین، ص ۴۱.

3. مبارک بن محمد بن الأثیر، النهایة فی غریب الحدیث، ج ۱، چاپ اول، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش، ص ۴۰۲.

4. علی بن محمد جرجانی، پیشین، ص ۴۱.